

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۷ فروری ۲۰۲۲

فریده نوری

یار و یاورم کجاست



جای مهتاب به تریکی شب ها تو بتاب

من فدای تو به جای همه گل ها تو بخند

آشنای این دل تنها کجاست
پرده ساز نغمه جاوید من
در سکوت سپینه ام فریاد کرد
در دلم اندیشه ها پرواز داد
زندگی را می سرودیم هرکنار

ای خدا آن اختر شب ها کجاست
آفتاب عشق من امید من
آن که در من خویش را بنیاد کرد
بر پریم دستی کشید آواز داد
ما دو تا پروانه های سپرزار

زهر غم در هستی من ره گشود
در خزاننش برگ زیلوفر شدم
رفت او و توک [خلایق] کرد و رفت
نالہ شد، فریاد و غم شد، درد شد
بغض تلخ صخره و کوهم خدا
کوله بار درد و تنهایی بدوش

دست غم تصویر خوابم را ربود
(ما) شکست، او رفت و من پرپر شدم
شهر دل را پر شقایق کرد و رفت
در هوایش زندگانی سرد شد
ایر پر بلران اندوهم خدا
میروم آرام و دل سرد و خموش

